

خیانت زناشویی: کاوشی در دیدگاه ها، عوامل و پیامدها Marital Infidelity: Exploring Views, Factors and Consequences

Sahar Samadi Kashan

Master of Family Counseling, University of Tehran

Mohadeseh pourghanad

Master of Family Counseling, University of Tehran

Mohammad Sadegh Zamani Zarchi *

PhD student in counseling, Kharazmi University
Zamani.1370@yahoo.com

سحر صمدی کاشان

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تهران

محدثه پورقناد

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تهران

محمد صادق زمانی زارچی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه خوارزمی

چکیده

خیانت پدیده ای دردناک و پیچیده است و مشکلات متعددی از قبیل شوک، سردرگمی، خشم، افسردگی و عزت‌نفس مخدوش در فرد خیانت دیده را به دنبال دارد. با در نظر داشتن اهمیت خیانت به عنوان رویدادی آسیب زا، هدف از تدوین این تحقیق بررسی ابعاد مختلف خیانت و بی وفایی همسران است. روش به کار رفته در تحقیق پیش رو توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات به روش کتابخانه ای با استفاده از ابزارهایی مانند کتاب ها، مقاله ها، تحقیقات پیشین و اینترنت تهیه و تدوین شده است. در ابتدا به مفهوم شناسی خیانت پرداخته شده و به دنبال آن دیدگاه های نظری، پیشایندها و پیامدها و عوامل موثر بر آن مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت. بر اساس مفاهیم و دیدگاه های مطرح شده در این تحقیق، خیانت زناشویی دارای اشکال مختلفی از جمله خیانت عاطفی، جنسی و مجازی بوده و می تواند ناشی از علل و انگیزه های اجتماعی یا روانشناختی و یا زیست شناختی باشد. همچنین پدیده خیانت زناشویی می تواند پیامدهای متعددی در سطوح فردی، اجتماعی و عملکردی به دنبال داشته باشد. در پایان، ضمن بحث و نتیجه گیری، راهکارهایی جهت پیشگیری و درمان ارائه گردید. نتایج برآمده از این تحقیق می تواند راهنما و یاری دهنده مشاوران و متخصصان حوزه خانواده و دست اندرکاران سلامت جامعه باشد تا به یاری اقشار آسیب پذیر جامعه بشتابند.

کلیدواژگان: خیانت زناشویی، نظریه ها، عوامل، راهکارها

Abstract

Marital infidelity is a painful and complicated phenomenon that causes numerous problems, such as shock, confusion, anger, depression and reduced self-esteem in a betrayed person. Given the importance of identity as a traumatic event, the purpose of this study was to address the various dimensions of betrayal of the spouses. The methodology used in this research is descriptive-analytic, and the data is provided in a library method using tools such as books, articles, previous research, and the Internet. At first, the concept of infidelity was dealt with and followed by theoretical perspectives, antecedents, consequences, and influencing factors. Based on the ideas and views mentioned in this research, marital infidelity has various forms, including emotional, sexual and virtual, and can be triggered by social, psychological and biological factors. Additionally, the phenomenon of marital infidelity may have different consequences at individual, social and functional levels. In the end, while discussing and concluding, strategies for prevention and treatment were presented. The results of this research can be a guide for counselors and family therapists and community health professionals to help vulnerable people.

Keywords: Marital infidelity, theories, factors, solutions

مقدمه

بررسی های علمی برای شناسایی عوامل و متغیر های مرتبط با خیانت زناشویی و پیامدهای آن در جامعه، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در کشورهای مختلف، در خصوص علل و عوامل به وجود آورنده خیانت و روش های درمان و پیشگیری آن تحقیقات مختلفی شده است؛ در حالی که به دلیل حساسیت زیاد و دسترسی نداشتن آسان به افراد و نیز واکنش شدید جامعه و قوانین به عاملان، تحقیقات در این زمینه در ایران بسیار اندک و ناکافی است. همچنین، توجه جدی از سوی کارشناسان و پژوهشگران به بی وفایی زناشویی، به عنوان زنگ خطری برای امنیت و سلامت افراد، خانواده و جامعه نشده است. بی شک شناخت و بررسی ریشه های این مشکل و برنامه ریزی

برای پیشگیری و کاهش و رفع عوامل زمینه ساز آن، جامعه را در راستای ارتقای سطح سلامت، حفظ نظم و تعادل اجتماعی رهنمون می سازد. از این رو، هدف پژوهش حاضر کاوشی در ابعاد مختلف پدیده خیانت زناشویی است.

مفهوم شناسی خیانت

در معنای عام و از لحاظ تاریخی، خیانت^۱ شکستن قراردادی مبنی بر انحصاری بودن روابط جنسی میان دو نفر در نظر گرفته شده است که با هم درون یک رابطه متعهد عقد و ازدواج کرده‌اند. با این حال، در سالهای اخیر، این تعریف تا اندازه‌ای بسط یافته است تا گستره وسیعی از رفتارها را شامل شود. آنچه موجب پیچیدگی بیشتر مسئله می‌شود، این است که دو فرد مختلف درون یک رابطه ممکن است نظرات متفاوتی از آنچه خیانت تلقی می‌شود و خیانت را شکل می‌دهد داشته باشند. برای برخی، تعریف خیانت افرادی را در بر می‌گیرد که با فردی به غیر از همسر خود درگیر رابطه جنسی هستند. برخی افراد نیز رفتارهایی نظیر روابط سایبری (روابط از طریق فضای مجازی)، تماشائی پورنو گرافی، درجات مختلف نزدیکی عاطفی و جسمانی نظیر بوسیدن و نگاه داشتن دست‌ها را خیانت در نظر می‌گیرند و حتی نزدیکی عاطفی با فردی دیگر را عامل آسیب رسان به رابطه اصلی می‌دانند. به طور کلی، خیانت به همه رفتارهایی اشاره دارد که پیمان منعقد بین دو نفر را می‌شکند (لاسترمن^۲، ۱۹۹۸).

براون^۳ (۲۰۰۱) خیانت یا عهدشکنی زناشویی را نوعی درگیری جنسی، عاطفی، یا عاطفی-جنسی با فردی غیر از همسر تعریف می‌کند که از همسر پنهان می‌شود و ویژگی اصلی آن محرمانه بودن آن است. پیتمن^۴ (۱۹۸۲) معتقد است که به طور کلی تعریفی که می‌توان برای خیانت زناشویی بکار برد بر اساس برداشتی است که زوجین از مفهوم پیمان زناشویی دارند. خیانت‌های جسمانی و هیجانی نه تنها در جنبه‌هایی که آنها را مشخص می‌سازند از هم متفاوت هستند، بلکه در اثراتی هم که بر رابطه اصلی می‌گذارند از هم متمایز می‌باشند.

شیوع خیانت

در ایران آمار مشخصی در این زمینه وجود ندارد و درصد اشخاصی متأهل عهدشکن از پژوهشی به پژوهشی دیگر متفاوت است. یک توضیح برای این اختلافات گسترده ممکن است محافظه‌کاری پاسخ دهندگان در حین پاسخ به سؤالات باشد (حیدری، فاتحی زاده و اعتمادی، ۱۳۸۸). در هر صورت آمار خیانت با توجه به تأثیرات منفی آن امری نگران کننده است. خصوصاً که در پیشینه‌های مرتبط با حوزه خیانت، خیانت با کاهش سلامت روان شناختی پیوند داده شده است (گوردن، باکوم، و اشنایدر^۵، ۲۰۰۴؛ جکمن^۶، ۲۰۱۵) و نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار در زمینه بیماری‌های مقاربتی شناسایی گردیده است. علاوه بر این، اطلاع از خیانت همسر می‌تواند واکنش‌های منفی از جمله تعرض جسمانی، خودکشی یا حتی قتل را در پی داشته باشد (فینر^۷ و همکاران، ۱۹۹۹؛ دالی و ویلسون^۸، ۱۹۸۸؛ کیقبادی^۹ و همکاران، ۲۰۰۹؛ ویلسون و دالی^{۱۰}، ۱۹۹۶ به نقل از جکمن، ۲۰۱۵).

در سطح بین‌المللی درصد افراد درگیر در خیانت زناشویی چیزی میان ۱۵ تا ۷۰٪ برآورد شده است (هرتلین، وچلر و پرسی^{۱۱}، ۲۰۰۵). در واقع، در فرا تحلیلی که توسط تانو یا و اسپیتزبرگ (۲۰۰۷) انجام شد نشان داد ۳۴٪ مردان و ۲۴٪ زنان درگیر در روابط جنسی فرا زناشویی بودند. در پژوهش‌های اخیر تقریباً ۳۲-۲۵٪ از مردان و ۱۱-۱۵٪ از زنان نشان داده‌اند که حداقل یکبار درگیر رابطه جنسی خارج از حیطه زناشویی شده‌اند (گوردن، باکوم و اشنایدر، ۲۰۰۸). همچنین نمونه‌های ارائه شده در تحقیقات ملی در کشورهای غربی نشان داده است سالانه بین ۱،۵ تا ۶ درصد افراد متأهل درگیر رابطه جنسی فرا زناشویی می‌شوند (لامن^{۱۲} و همکاران، ۱۹۹۴؛ ویسمن و اشنایدر^{۱۳}، ۲۰۰۷؛ به نقل گوردن، باکوم و اشنایدر، ۲۰۰۸).

انواع خیانت

1. Infidelity
2. Lusterman
3. Brown
4. Pittman
5. Gordon, Baucom & Snyder
6. Jackman
7. Finer
8. Daly & Wilson
9. Kaighobadi
10. Wilson & Daly
11. Hertlein, Wechler & Piercy
12. Lauman
13. Whisman & Snyder^f

گونه‌های مختلفی از خیانت زناشویی وجود دارد که در اینجا به رایج‌ترین تقسیم‌بندی اشاره خواهد شد. در این تقسیم‌بندی، انواع خیانت شامل جسمانی (جنسی)، عاطفی و ترکیبی از هر دو است:

خیانت جسمانی یا جنسی^۱: خیانت (جسمانی)، مطابق با نظر اکثریت مردم به رابطه جنسی با شخصی سوم اشاره دارد. در این زمینه تامپسون^۲ (۱۹۸۴) خیانت را چنین تعریف کرده است: "درگیری در رابطه جنسی خارج از ازدواج بدون آگاهی یا رضایت همسر". برخی از صاحب‌نظران و پژوهشگران واژه خیانت را با اصطلاحات دیگری نظیر "رابطه جنسی خارج از زندگی زناشویی یا آمیزش جنسی خارج از زندگی زناشویی" جایگزین کرده‌اند (تامپسون، ۱۹۸۳). رفتارهایی جز آمیزش جنسی نیز ممکن است خیانت جسمانی تلقی شوند نظیر بوسیدن، نوازش و با تعاملات جنسی به غیر از آمیزش جنسی (یارب، سنسیبا و الگیئر^۳، ۱۹۹۸).

خیانت عاطفی یا هیجانی^۴: خیانت هیجانی به جای آنکه با مؤلفه‌های جسمانی مشخص شود توسط نزدیکی و تماس هیجانی تعریف می‌شود که میان دو نفر جز همسران آنها به اشتراک گذاشته می‌شود (کلینز^۵، ۱۹۹۹، دریگوتاس، سافستروم و جنتیلیا^۶، ۱۱۹۹۹ اسپرینگ^۷، ۱۹۹۶). خیانت عاطفی زمانی رخ می‌دهد که فردی منابعی نظیر عشق، زمان و توجه را وقف فرد دیگری جز همسر خویش می‌کند (شاکلفورد و باس^۸، ۱۹۹۷). جوانب نزدیکی عاطفی عبارت‌اند از: مشارکت، تفاهم، همراهی و هر نوع دیگری از رابطه نزدیک (گلاس و رایت^۹، ۱۹۹۲). ظاهراً خیانت عاطفی فراگیرتر از خیانت جسمانی است. برای مثال، گلاس گزارش می‌کند که ۴۴٪ شوهران و ۵۷٪ همسران در مطالعه وی بیان داشته‌اند که در خیانت خویش درگیری عاطفی شدیدی با شخصی دیگری داشته‌اند بدون آنکه با وی رابطه جنسی داشته باشند. مضافاً بر اینکه، زنان بیش از مردان در خیانت صاحب مؤلفه‌های هیجانی هستند (گلاس و رایت، ۱۹۹۲، شاکلفورد و باس، ۱۹۹۷)؛ حال آنکه نزدیکی هیجانی به وضوح پیوند قدرتمندی برای حفظ خیانت است (گلاس^{۱۰}، ۲۰۰۳ به نقل از هرتلین، وچلر، و پیرسی، ۲۰۰۵).

خیانت در فضای مجازی؛ پدیده‌ای نوظهور

علاوه بر انواع خیانت که در بالا به آن اشاره شد، نوع دیگری از خیانت در عصر جدید نمایان شده است که خیانت مجازی نامیده می‌شود. خیانت‌های مجازی یا اینترنتی، گرچه ممکن است شامل رفتارهای جنسی هم باشند اما با خیانت هیجانی اشتراکات بیشتری دارند؛ چرا که از طریق پیوند هیجانی به جای ارزیابی بر روی جذابیت جسمانی یا ویژگی‌های جنسی و جسمانی مشخص می‌شوند (کوپر و اسپورنلوتاری، ۱۹۹۷؛ به نقل از هرتلین، و تلو، و پیرسی، ۲۰۰۵). کوپر^{۱۱} (۲۰۰۲) مدلی را ایجاد کرده است که سه جنبه انحصاری از خیانت اینترنتی را مشخص می‌کند: دسترسی پذیری، توانمندی و گمنامی. دسترسی پذیری به دسترسی فرد به اینترنت اشاره می‌کند. افرادی که بیشترین احتمال را برای ارتکاب به خیانت آنلاین دارند، افرادی هستند که به آسانی دسترسی به اینترنت دارند. توانمندی، به هزینه درگیر شدن در خیانت اینترنتی اشاره دارد. کوپر بر این باور است که اصل توانمندی بر مبنای مفهوم عرضه و تقاضا کار می‌کند. با قیمت بسیار ناچیزی یک کاربر فضای مجازی می‌تواند از تعداد بی‌شماری سایت دیدن کرده و نیازهای جنسی متعددی را ارضا کند. به علاوه، افرادی که از خرید مستقیم محصولات جنسی احساس راحتی می‌کنند می‌توانند اطلاعات مشابه را در حریم خانه خود به سرعت دانلود کنند. در آخر، گمنامی به توانایی برای ترویج هر نوع هویتی که فرد آن را دوست دارد، در فضای مجازی اشاره دارد. در دنیای واقعی ارتکاب به خیانت به معنای آن است که شخصی دیگری فرد را شناخته، بتواند وی را ببیند و به طور بالقوه بتواند وی را قضاوت و ارزیابی کند اما در فضای مجازی کاربران می‌توانند به راحتی هویت مد نظر خود را ترویج دهند.

دیدگاه‌های نظری خیانت

1. sexual affair
2. Thompson
3. Yareb, Sensibaugh & Aligeier
4. emotional affair
5. Collins
6. Drigotas, Safstrom & Gentilia
7. Spring
8. Shackelford & buss
9. Glass & Wright
10. Glass
11. Cooper

۱- **دیدگاه انسان شناختی:** به عقیده فیشر^۱ و همکاران (۲۰۰۹)، دلایل روان‌شناختی متعدد برای خیانت وجود دارد. برخی افراد ممکن است که بخواهند رابطه زناشویی را تکمیل کنند، یک مشکل جدی را کرده، توجه بیشتری کسب کنند، انتقام بگیرند یا تجربه هیجانی بیشتری در رابطه زناشویی کسب کنند. اما بر اساس تحقیق فیشر و همکاران (۲۰۰۹) برای خیانت یک جنبه زیست‌شناختی نیز وجود دارد. ما دو سیستم مغزی داریم. یکی از آنها با دلبستگی و عشق رمانتیک مرتبط است و دیگری کاملاً سائق جنسی است. گاهی اوقات این دو سیستم مغزی خوب متصل نیستند و این امر افراد را قادر می‌سازد خیانت کنند و سائق جنسی را بدون توجه به جنبه دلبستگی شان ارضا کنند.

۲- **نظریه رفتار طراحی شده:** آجزن (۱۹۹۱) نظریه رفتار طراحی شده را برای توجیه رفتار فرا زناشویی به کار برد. بر اساس این نظریه، نگرش و هنجارهای اجتماعی و کنترل رفتاری ادراک شده، تمایلات را پیش‌بینی می‌کند و تمایلات و کنترل رفتاری ادراک شده، رفتار را پیش‌بینی می‌کند. به‌طور کلی، نگرش و هنجارهای اجتماعی مساعد و سطوح بالاتر کنترل رفتاری ادراک شده، به تمایلات و احتمال بیشتر برای وقوع رفتار منجر خواهد شد. همچنین، بانک و بکر (۱۹۹۵) دریافتند که نگرش فرد به رابطه جنسی فرا زناشویی معنی دارترین پیش‌بینی کننده روابط فرا زناشویی است. با توجه به هنجارهای اجتماعی افراد ممکن است برای رابطه فرا زناشویی آماده شوند بدین صورت که اگر آنها بدانند که تعداد زیادی از افراد دیگر هم درگیر رابطه فرا زناشویی هستند، احتمال وقوع این رفتار در آنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین بر اساس نظریه رفتار طراحی شده، بین نگرش و هنجارهای اجتماعی با تمایلات فرا زناشویی رابطه نیرومندی برقرار است.

۳- **نظریه ناهماهنگی شناختی:** فستینگر^۲ (۱۹۵۷) تمایل افراد را برای جستجوی هماهنگی میان نگرش‌ها و رفتارها مطرح می‌کند. اگر در این بین ناهماهنگی وجود داشته باشد، نگرش‌ها اغلب تغییر می‌کند تا با رفتار همسان‌تر باشد. ناهماهنگی می‌تواند رفتار فرا زناشویی را حفظ کند. در توجیه این امر، لازم به ذکر است که وقتی همسر درگیر در روابط فرا زناشویی برانگیخته می‌شود و شریک رابطه فرا زناشویی یا رابطه فرا زناشویی را مثبت‌تر از همسر خود درک می‌کند، نگرش‌های مثبت به رفتار فرا زناشویی را گسترش می‌دهد (آلن و همکاران، ۲۰۰۵).

۴- **دیدگاه سیستمی و غیر سیستمی در رابطه فرا زناشویی:** بر اساس این دیدگاه، خیانت عملی مخاطره‌آمیز و دو جانبه بین همسران است. به عبارتی زوجینی که از رابطه احساسی ضعیف برخوردارند به خاطر احیای زندگی مشترک شان نفر سومی را وارد بازی می‌کنند و در نتیجه بحرانی را در زندگی خود به وجود می‌آورند. از نظر تئوری سیستمی، هر دو نفر (زوج) مسئول ایجاد این وضعیت هستند. لذا همسر فریب خورده نه تنها مورد خیانت قرار می‌گیرد، بلکه تا حدی مسئول خیانت همسر خود نیز شمرده می‌شود. ولی بر اساس دیدگاه غیر سیستمی، همسران فریب خورده، اغلب قربانی یک توطئه روان‌شناختی پی ریزی شده توسط همسران خود هستند و همسران آنها به منظور توجیه روابط نامشروعشان آنها را وادار می‌کنند که در ازدواج نقش بسیار منفی ایفا کنند (مؤمنی جاوید و شعاع کاظمی ۱۳۸۹).

۵- **نظریه رابطه با محبوب:** این نظریه که توسط فایربرن^۳ (۱۹۶۳) ابداع شد، روشی را توصیف می‌کند که فرد به طور ناهشیار روابطش را بر اساس تجارب قبلی شکل می‌دهد. به عبارتی، تجارب اولیه فرد انتظارات خاصی را به وجود می‌آورد که شخص در آینده در روابطش با افراد مهم زندگی‌اش در جستجوی آن است. در تایید این مطلب، در رویکرد زوج درمانی هیجان مدار تعارضات زناشویی هنگامی رخ می‌دهد که زوجین در رفع نیازهای دلبستگی (امنیت، ایمنی و رضایت) یکدیگر قصور می‌ورزند. به عبارتی، آشفتگی روابط زناشویی نمایانگر قصور زوجین در برقراری یک رابطه برخوردار از سبک دلبستگی ایمن است (سهرابی و رسولی، ۱۳۸۷).

۶- **مدل فرویدی خیانت:** نظریه فروید می‌گوید که داشتن میل جنسی طبیعی و انسانی است. فروید در عباراتش گفته است که خیانت یک جلوه کلاسیک از امیال متناقض است که موجب شکافتگی روان خیانت کننده می‌شود. این شکاف در سه بخش عینی می‌شود. همسر خیانت دیده سوپرایگو است، معشوق نهاد است و خیانت کننده ایگو است.

۷- **نظریه تبادل اجتماعی:** در این نظریه فرض بر این است که افراد بر اساس مقابله به مثل روابط خود را تشکیل داده و به آن ادامه می‌دهند و در روابط فرا زناشویی ممکن است خیانت تنها راهی باشد که یک همسر بتواند با آن برابری را به رابطه نابرابر بازگرداند. این

1. Fisher
 2. Festinger
 3. Fairburn

نظریه پیش بینی می‌کند که افرادی که در یک رابطه زناشویی کمتر سود می‌کنند، در مقایسه با کسانی که در رابطه زناشویی دارای مزایای بیشتری هستند یا سود برابر دارند، با احتمال بیشتری درگیر روابط فرا زناشویی می‌شوند.

۸- نظریه سبک دلبستگی: رابطه کودک با مراقب اولیه به شکل باورهای کودک در مورد خود و دیگران در ذهنش نقش می‌بندد و همین مسئله در سایر مراحل زندگی رابطه فرد را با دیگران هدایت می‌کند. مثلاً اگر کودک از مراقب اولیه خود حمایت دریافت کند به احتمال زیاد دوست داشتنی بودن در او درونی می‌شود. در نتیجه به شکل ایمنی با دیگران رابطه برقرار می‌کند و دیگران را به عنوان افراد قابل اعتماد و دوست داشتنی می‌بیند و با توجه به این موضوع که سبک دلبستگی دوران کودکی در روابط عاشقانه بزرگسالی افراد خود را نشان می‌دهد، کودکانی که دلبستگی ناایمن را تجربه کردند در بزرگسالی نسبت به مردم دید منفی دارند و آنها را غیر قابل اعتماد می‌دانند. سبک‌های دلبستگی که در ابتدا در روند رشد کودک پدیدار می‌شود بعدها بر سیستم مراقبت طلبی و مراقبت گری افراد اثر می‌گذارد (حسینی، ۱۹۹۰).

علل و عوامل پیش بینی کننده خیانت

بروز هر پدیده‌ای، دارای عوامل زمینه ساز و عللی است و خیانت نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این بخش به عوامل مختلف در بروز خیانت می‌پردازیم. از دیدگاه پلوسو (۲۰۰۷) این علل شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. بن بست زناشویی: به نظر می‌رسد بسیاری از روابط نامشروع حاصل شکست زوج در رشد و تغییر باشد. چنانکه پیش از آغاز این نوع از روابط احساس پیش‌رونده‌ای از خشکی و رکود بین زوج وجود دارد. در این حالت، زوجین احساس عدم ارتباط و رانده شدن می‌کنند، مکالمات به جایی نمی‌رسد، راه‌حل‌ها قابل اجرا نیست و ممکن است زوجین در نتیجه فقدان اکسیژن عاطفی در ازدواج واقعاً دل‌مرده باشند.

۲. زیر بنای عاطفی: در ورای ظاهر زندگی مشترک دو نفر هستند که می‌خواهند کامل تر زندگی کنند اما یکی از آنان در تله ناامیدی و بی معنایی افتاده است. حتی اگر یکی از طرفین از این بی محتوایی آگاه باشد، به مرور به طرف مقابل هم سرایت خواهد کرد. اغلب همسرانی که رابطه نامشروعی را شروع می‌کنند احساس نوعی طرد شدن (یا بدرفتاری) از جانب همسر را داشته و توجیه درونی اعمالشان، بازنمایی نوعی حق به جانب بودن است.

۳. خیانت به عنوان شورش: اغلب فردی که وارد رابطه نامشروع می‌شود احساس تسلط می‌کند. مرد یا زن ممکن است تلاش‌های موقتی در رویارویی با همسر داشته باشد اما این تلاش‌ها زود به پایان می‌رسد. همسر خیانت دیده احساس آسیب‌پذیری و بی ارزشی و دیده نشدن می‌کند و رابطه نامشروع نوعی تلاش خشمگینانه نه تنها برای آسیب به طرف مقابل، بلکه برای به دست آوردن قدرت بیشتر در ارتباط است.

باکوم، اسنایدر و گوردون (۲۰۰۹) عوامل سبب ساز در بروز خیانت را به ۴ دسته تفهیم بندی کردند که عبارت‌اند از: عوامل مربوط به فرد آسیب دیده، عوامل مربوط به فرد پیمان شکن، عوامل مربوط به رابطه و عوامل بیرونی (قهاری، ۱۳۹۴).

۱. عوامل مربوط به فرد آسیب دیده: این عوامل شامل ابتلا به بیماری روان پزشکی، بیماری‌های جسمی شدید مثل فلج، ناراحتی قلبی، سکت، سرطان، ایدز و اختلالات شخصیتی (اختلال پارانوئید و وابسته) برخی ویژگی‌های شخصیتی مانند (سلطه جویی، کنترل، خوشیفتگی) مشکلات جنسی به ویژه ناتوانی جنسی در مردان، فقدان مهارت‌های زناشویی باورهای منفی، رفتارهای نامناسب نسبت به همسر، نازایی و عقیم بودن می‌باشد.

۲. عوامل مربوط به فرد پیمان شکن: عمده این عوامل عبارتند از خصیصه‌های شخصیتی (شخصیت نمایشی، ضد اجتماعی، خودشیفته) مشکلات روان پزشکی (ناتوانی در کنترل تکانه) اعتیاد، بیماری‌های جنسی، اعتیاد، درآمد بالا، محیط شغلی مستعد برای روابط فرا زناشویی، عدم پایبندی به تعهدات، سطح اخلاقی پایین، باورهای فرهنگی (مانند مرد حق دارد با چند زن ارتباط باشد) باورهای متفاوت مذهبی، مشکلات مربوط به نقش و الگو گیری از والدین.

۳- عوامل بیرونی: مشکل مالی و رفتاری و تحصیلی و روانی، اختلاف بر سر تربیت فرزند، مشکل محیط کار و دوری راه و ساعات کار طولانی، دور بودن از همسر، شبکه‌های ناسالم اجتماعی از جمله عوامل بیرونی هستند که می‌توانند فرد را به سمت زیر پا گذاشتن اصول و موازین اخلاقی و عهدشکنی سوق دهد.

۴. عوامل مربوط به رابطه زناشویی: فقدان صمیمت عاطفی، تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی زوجین، عدم جذابیت جنسی، کشمکش‌های حل نشده در گذشته، مشکلات مربوط به مرز و حریم، چه درون خانوادگی و چه برون خانوادگی، مثلث سازی (نزدیکی بیش از حد یکی

از والدین به فرزندان و دور نگه داشتن والد دیگر) و یارکشی در درون خانواده، چگونگی ابراز هیجانات توسط زوج، طلاق عاطفی، مشکلات روزانه، باورها و طرحواره ها، مشکلات جنسی، ناباروری، خستگی از زندگی مشترک، تنوع طلبی، ارتقای مالی و اجتماعی، رفتار دفاعی یکی از زوجین (برون ریزی خشم نسبت به همسر، کنترل به شکل عهدشکنی) خشم و آزرده گی، پایان بخشیدن به ازدواج ناخواسته و مقایسه و تقلید همگی از عواملی هستند که می توانند در نقش عاملی محرک برای گرایش زوجین به روابط فرا زناشویی ظاهر شوند.

به عقیده السون^۱ و همکاران (۲۰۰۲) متغیرهای مرتبط با رفتار فرا زناشویی در راستای ۶ مقوله زیر سازمان یافته اند و این واقعیت را منعکس می کنند که درگیر شدن در روابط فرا زناشویی یک فرایند است (آلن و همکاران، ۲۰۰۵):

۱- عوامل زمینه ساز: عواملی هستند که فرض می شود قبل از ایجاد رابطه فرا زناشویی وجود دارند و احتمال وقوع رابطه فرا زناشویی را افزایش یا کاهش می دهند. برخی از این عوامل در شریک درگیر در رابطه فرا زناشویی شامل ویژگی های غیر قابل تغییر مثل جنسیت (مردان بیش از زنان به رفتار فرا زناشویی می پردازند) نژاد (آفریقایی و آمریکایی بیشتر در معرض خطر است) و سن (زوج های جوان بیشتر در معرض خطرند) و ویژگی های قابل تغییر مثل بی ثباتی جنسی، هیجان خواهی و گرایش های مذهبی کم است.

۲- عوامل گرایش: تنوعی از عوامل می تواند پیشرفت به سمت یک رابطه فرا زناشویی را تشویق یا ممانعت کند. عوامل گرایش در شریک درگیر (انکار خطر) و در همسر (اجتناب از تعارض) رابطه است. این عوامل در رابطه زناشویی شامل خشم و کناره گیری است.

۳- عوامل تسریع کننده: شامل عوامل راه انداز است که در پرداختن به رابطه فرا زناشویی نقش دارند. عوامل تسریع کننده در شریک درگیر شامل دو سوگرایی برای ازدواج، بازداری زدایی و توجیه عقلی است. این عوامل در همسر شامل امتناع از درمان، تهدید به خاتمه ازدواج و در رابطه زناشویی شامل افزایش تعارض یا فاصله عاطفی است. مثالی از عوامل بافتی تسریع کننده شامل پیشنهاد دیگران و فرصت ایده آل است.

۴- عوامل نگهدارنده: بعد از شروع رابطه فرا زناشویی نوعی از عوامل می تواند رابطه فرا زناشویی را حفظ کند یا به آن خاتمه بدهد. علل حفظ روابط در همسر درگیر افزایش اعتماد به نفس، هیجان و احساس گناه کم و در همسر غیر درگیر، بی میلی برای مواجهه با شریک است. این عوامل در رابطه فرا زناشویی شامل افزایش ناراحتی یا تعارض است. مثالی از عوامل بافتی نگهدارنده رابطه فرا زناشویی محیط حمایتی همسالان است.

۵- عوامل کشف و افشا: عواملی هستند که احتمال کشف رابطه فرا زناشویی توسط همسر یا افزایش یا کاهش می دهد. عامل افشا در همسر درگیر احساس گناه، ترس از کشف و قصد تغییر است. این عوامل در همسر شامل افزایش آمادگی، کاهش اجتناب و در رابطه زناشویی تغییر در ناراحتی یا پیش بینی پیامد است. مثالی از عوامل بافتی افشا یا کشف شامل تهدید افشا توسط دیگران است.

۶- عوامل پاسخ: عواملی هستند که بر افراد و پیامدهای رابطه فرا زناشویی برای طرفین درگیر تأثیر می گذارد. عوامل پاسخ در شریک درگیر شامل کاهش سرمایه گذاری در رابطه زناشویی و عدم تحمل ناراحتی همسر است و این عوامل در همسر غیر درگیر شامل اعتقاد به بخشش و تنظیم عاطفی و در رابطه زناشویی شامل محدود نگه داشتن تعارض و بهبود در بیانگری عاطفی است. علل بافتی پاسخ به رابطه فرا زناشویی مرزهای مناسب با دیگران و حمایت اجتماعی است. (جاوید نیا، ۱۳۹۲).

در یک تقسیم بندی دیگر علل گرایش به روابط به فرا زناشویی در ۴ دسته قرار می گیرد که شامل:

۱- نارضایتی از روابط عاطفی و عدم صمیمیت میان زوجین: نتیجه پژوهش لین فلندر، زوولنسکی و فلندر^۲ (۲۰۰۴) نشان داد که از مجموع ۹۰٪ افراد شرکت کننده گزارش دادند برآورده نشدن نیازهای عاطفی در رابطه زناشویی آنها را به خیانت سوق داده و انگیزه جنسی را تا به این حد مهم ندانسته اند.

۲- نارضایتی از رابطه جنسی: به عقیده رابینستین و ایوانیر^۳ (۱۹۹۹؛ به نقل از شیردل، ۱۳۸۵). برخی از زنان و مردان حاضر نیستند تا پایان عمر نیاز جنسی خود را سرکوب کنند و از اعتراض کردن و بیان نیاز خود و راه های عملی درمان پرهیز می کنند و هنگامی که زمینه مناسبی ایجاد می شود، نیاز سرکوب شده خود را با برقراری رابطه نامشروع جبران می کنند.

1. Olson

2. Leen-flender, Zvolensky & Flender

3. Rubinstein & Ivanir

۳- **تنوع طلبی:** عده‌ای معتقدند انسان در طولانی مدت نمی‌تواند روابط جنسی خود را به شکل تک همسری ادامه دهد و وفاداری به همسر یک عقیده ناعادلانه است. بنابراین چیزی که در برخی موارد منجر به رابطه فرا زناشویی می‌شود نیاز به تجربه شور و عشق زیاد و میل به تجربه کردن یک رابطه جنسی جدید و ممنوع است (رابینستین و ایوانیر، ۱۹۹۹؛ به نقل از شیردل، ۱۳۸۵).

۴- **انتقام جویی از همسر بی وفا:** گاهی اوقات زوج قربانی خیانت در صدد انتقام جویی بر می‌آید (کاوه ۱۳۸۷). همچنین، برخی از آموزه‌ها و یادگیری‌های دوران کودکی فرد ممکن است در واکنش فرد به شکل انتقام جویی تأثیر داشته باشد. برخی آموخته‌اند در برابر خیانت یا هر رفتار منفی دیگر مقابله به مثل کنند و رفتار خود را با نوعی مکانیزم دفاعی دلیل تراشی توجیه نمایند (مؤمنی جاوید و نادری نوبندگانی، ۱۳۹۲).

عوامل مستعد کننده خیانت زناشویی

عوامل مستعد کننده را مطابق با گفته آلن و همکاران (۲۰۰۵) می‌توان در سه دسته جمعیت شناختی، بین فردی و درون فردی قرار داد. در ادامه به توصیف کامل‌تر هر یک از این سه دسته عامل پرداخته خواهد شد.

عوامل جمعیت شناختی

بلو و هارنت^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه مروری خویش دریافتند که گرچه مطالعات زیادی به قصد بررسی پیش‌بین‌های جمعیت شناختی پیرامون مسئله خیانت صورت گرفته‌اند، لیکن ادبیات پژوهشی تصویری ناکامل و نامنسجم در این باب ارائه می‌دهد. جنسیت از متداول‌ترین عامل جمعیت شناختی مورد مطالعه است. مطالعات پیشین گزارش کرده‌اند که مردان بیش از زنان درگیر خیانت می‌شوند (ویدرمن^۲، ۱۹۹۷). با این حال، بیشتر پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که شکاف جنسیتی در حال باریک شدن است و در تخطی‌هایی به غیر از روابط جنسی (نظیر تماس هیجانی و بوسیدن) برای زنان به همان اندازه مردان فعل خیانت گزارش شده است (مارک، جانسن و میلیهاسن^۳، ۲۰۱۱).

وضعیت رابطه متغیر دیگری است که مورد بررسی قرار گرفته است. اگرچه در پژوهش‌ها این متغیر، پیش‌بینی کننده معنادار خیانت زناشویی برای مردان عنوان نشده است، لکن زنان متأهل نسبت به زنانی که درگیر روابطی نظیر همباشی یا در مرحله آشنایی هستند، با احتمال کمتری درگیر این فعل می‌شوند. چنین فرض می‌شود که احتمالاً برای زنان، ازدواج سطح بالاتری از تعهد را می‌طلبد و مزیتی محافظت کننده را فراهم می‌آورد (پروتی و آماتو^۴، ۲۰۰۴). دینداری نیز به عنوان یک پیش‌بینی کننده یا همبسته برای خیانت زناشویی شناسایی شده است. در میان افرادی که هرگونه دلبستگی مذهبی را انکار می‌کنند خیانت بیشتر گزارش شده است (ماتینگلی^۵ و همکاران، ۲۰۱۰).

تعدادی از مطالعات تحصیلات را به عنوان همبسته خیانت زناشویی ذکر کرده‌اند. به نحوی که برای افراد تحصیل کرده درگیری در خیانت زناشویی با احتمال بیشتری گزارش داده شده است (اتکینز، باکوم و جاکوبسن^۶، ۲۰۰۱). حال آنکه در پاره ای دیگر از مطالعات عکس این رابطه یا عدم وجود آن شناسایی شده است (آلن و همکاران، ۲۰۰۵). همانند سایر متغیرهای جمعیت شناختی، برای تحصیلات نیز احتمالاً عوامل دیگری، واسطه‌گرها یا تعدیل کننده‌های اثر می‌باشند. درآمد نیز به عنوان عاملی مرتبط با خیانت شناسایی شده است. افراد با درآمد بالاتر، بیشتر مستعد درگیر شدن در خیانت زناشویی هستند و شاید دلیل آن زندگی حرفه ای و شخصی آنها باشد که امکان درگیر شدن در روابط فرا زناشویی را برای آنها فراهم می‌آورد (آلن و همکاران، ۲۰۰۵). برخی از پژوهشگران در مطالعات خویش دریافتند که در حدود نیمی از شرکت کنندگان که به همسر خویش خیانت کرده و به دلیل وجود مشکلات در رابطه اصلی خود اقدام به روان درمانی کرده بودند، شریک روابط فرا زناشویی خویش را در محل کار ملاقات کرده بودند. با این حال، تأثیر تحصیلات، درآمد و اشتغال به صورت قطعی مشخص نشده است، به نحوی که برخی از مطالعات، ارتباط خیانت زناشویی با این متغیرها را تنها در مردان شناسایی کرده‌اند و برخی نیز چنین رابطه ای را مشاهده نکردند. مردان معمولاً به دلایلی نظیر تنوع طلبی، نیازهای جنسی ارضا نشده، دزدگی در زندگی زناشویی، اختلاف با همسر، ارتقا وضعیت شغلی و مالی، بی اعتقادی به اصول و آموزه های دینی، دوری از همسر، کنجکاو، عشق های

1. Blow & Harnett
2. Wiederman
3. Mark, Johnson & Milhausen
4. Preveti & Amato
5. Mattingly
6. Atkins, Baucom & Jacobson

تازه، خزان میانسالی، بیماری همسر، تأثیرگذاری دوستان و همکاران و مجاورت با زنان پر خطر به خیانت رومی آورند (مارک، جانسن و میلیهاسن، ۲۰۱۱).

عوامل بین فردی

عوامل بین فردی، به ویژه عواملی که مربوط به برابری یا رضایتمندی هستند در پاره ای از مطالعات مورد بررسی قرار گرفته و منجر به نتایج مختلفی شده‌اند (ویسمن، گوردون و چاتاوا^۱، ۲۰۰۷، فیشر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ماتینگلی و همکاران، ۲۰۱۰). برخی از مطالعات نشان داده‌اند که کمبود یا عدم رضایت زناشویی قویاً با درگیری در رفتارهای فرا زناشویی رابطه دارد (اتکینز، باکوم و جاکوبسن، ۲۰۰۱؛ تریس و جیسن^۲، ۲۰۰۰). یک مطالعه که رابطه جنسی فرا زناشویی و شادکامی زناشویی را در طول ۱۷ سال مورد بررسی قرار داده بود دریافت که خیانت هم علت و هم پیامد ناسازگاری زناشویی است (پروتی و آماتو، ۲۰۰۴). علاوه بر عدم رضایت زناشویی، مشاهدات بالینی نشان داده‌اند که خیانت همسر ممکن است بر همسر دیگر اثر گذاشته و وی به قصد تلافی مرتکب خیانت شود (لاسترمن، ۱۹۹۸). برخی از مطالعات نیز دریافته‌اند که مقدار اندک برابری در رابطه، با خیانت زناشویی رابطه دارد. با این حال، مطالعات دیگری هم وجود دارند که رابطه معناداری میان روابط خارج از ازدواج با رضایت یا سازگاری زناشویی پیدا نکرده‌اند (مارک، جانسن، و میلیهاسن، ۲۰۱۱). بدین ترتیب بدیهی می‌نماید که خیانت‌های زناشویی می‌توانند پیامد مشکلات زناشویی، علل آنها یا هر دو باشد.

عوامل درون فردی

هنگامی که خیانت زناشویی به دلیل تعارض زناشویی یا کمبود رضایتمندی زناشویی ایجاد نشده باشد، ممکن است این امر در نتیجه ارزش‌های موقعیتی رخ داده باشد. با این حال، برای هر دوی این ارزش‌ها می‌توان انتظار داشت که به خودی خود با ساختارهای روانی، ساختار جنسی و امیال شخصی افراد رابطه داشته باشند. در این زمینه، ویسمن، گوردون، و چاتاوا (۲۰۰۷) نشان داده‌اند که روان رنجور خوبی بالا در هر دو جنس و عزت نفس بالا در مردان، پیش‌بین‌های خیانت زناشویی هستند. همچنین نشان داده شده است که صفات شخصیتی با خیانت زناشویی رابطه دارد به نحوی که روان رنجور خوبی می‌تواند در نقش یک عامل مستعد کننده ظاهر شود که احتمال درگیر شدن در خیانت را افزایش می‌دهد (شاکلفورد و باس، ۱۹۹۷). در تأیید این مطلب، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد عزت نفس در میان مردانی که مرتکب به خیانت می‌شوند بیشتر است (بانک^۳، ۱۹۸۰، به نقل از ویسمن، گوردون و چاتاوا، ۲۰۰۷).

پیامدهای خیانت

پیامدهای خیانت برای زوجین می‌تواند در برگیرنده عوامل زیر باشد:

۱- اختلال در عملکرد روزانه ۲- متوقف شدن فعالیت‌های لذت بخش ۳- مشکلات بین فردی در روابط زناشویی ۴- کاهش عملکرد شخصی ۵- انزوای اجتماعی ۶- اختلال استرس پس از سانحه ۷- خشونت ۸- تغییر باورها ۹- تحت تأثیر قرار گرفتن عزت نفس زوج خیانت دیده ۱۰- هیجان‌های منفی مانند شرم، خجالت، خشم، تحقیر، حسادت، تنفر، نا امنی ۱۱- رفتارهای ناکارآمد ۱۲- مختل شدن روال طبیعی زندگی ۱۳- تصمیم‌گیری عجولانه برای جدایی ۱۴- افسردگی ۱۵- احساس رهایی و رضایت به ویژه برای زوج‌هایی که زندگی پر تنش داشتند و خیانت و عهدشکنی تیر خلاصی به زندگی آشفته و پر تعارض بوده است (براون^۴، ۱۹۹۱؛ قهاری، ۱۳۹۴).
به طور کلی، اثرات خیانت تأثیر قابل توجهی بر زوجها و خانواده‌ها دارد. اثرات آن می‌تواند در روابط هردو طرف و نیز روابط خانوادگی و شبکه حمایتی اجتماعی یکی از زوجین جریان داشته باشد (سابوتنیک و هریس^۵، ۲۰۰۵). افرادی که همسر آنها مرتکب خیانت می‌شود احساس می‌کنند مورد ظلم واقع شده‌اند و نسبت به همسر خویش خشم پیدا می‌کنند. آنها ممکن است نسبت به خویش نیز به دلایلی دچار خشم شوند. احساس خجالت زدگی و شرم از این رویدادها نیز می‌تواند بر احساس خشم و ناراحتی بیفزاید و زوجین ممکن است اعتماد به همسر خویش را از دست بدهند (واگان^۶، ۲۰۰۳). در عین حال آنها ممکن است احساس فقدان هویت و عزت نفس و احساس بی اهمیت بودن برای همسر نیز در آنان به وجود آید (اسپرینگ، ۱۹۹۶). همسری که مورد خیانت واقع شده است ممکن است دائم در مورد فعالیت‌های همسر خویش پرس و جو کند و به گفته‌های وی شک کند که وی به طور مخفیانه در حال ملاقات و گذران اوقات با

1. Whisman, Gordon & Chatav
2. Treas & Giesen
3. Bunk
4. Brown
5. Subotnik & Harris
6. Vaughan

شخص ثالث است. به دلیل پرسش گری های مداوم و تلاش همسر درگیر برای توجیه رفتار خویش، ممکن است نوعی دور باطل شکل بگیرد، بدین ترتیب که همسر درگیر در روابط فرا زناشویی ممکن است از اینکه دائماً در مورد فعالیت های خویش به همسر خود گزارش دهد احساس فشار کند و در سوی دیگر همسری که مورد خیانت رافع شده است ممکن است فعالیت های طرف مقابل را مرتباً مورد قضاوت قرار دهد. این فرایند می تواند منجر به مشکلات بیشتر برای زوج شده و بر تعادل قدرت درون رابطه تأثیر بگذارد (هرتلین، وچلر و پیرسی، ۲۰۰۵) برای شخصی که در رابطه با شخص سومی درگیر است نیز تأثیرات روان شناختی منفی از جمله احساس گناه و از دست دادن عزت نفس وجود دارد. این شخص ممکن است احساس کند که باید از همسر خویش در برابر آسیب های مرتبط با خیانت محافظت کند (واگان، ۲۰۰۳).

در خیانت برای هر دو زوج برخی ترس های بالقوه می توانند وجود داشته باشند. بر ملا شدن خیانت زوج را در موقعیتی قرار می دهد که اگر تصمیم به کار کردن بر روی رابطه خود بگیرند باید با پاره ای مسائل بغرنج مواجه شوند. در آخر، خیانت ممکن است عوارضی جسمانی به همراه داشته باشد. استرس حاد، بی قراری و خستگی از مقابله با این موارد ممکن است منجر به مشکلات مرتبط با سلامت جسم و روان برای هر دو طرف شود. افرون بر استرس، تهدید بالقوه ای مبنی بر این وجود دارد که همسر درگیر بیماری های مقاربتی را به رابطه اصلی وارد کرده باشد. برخی از بیماری ها نظیر ایدز می توانند به مشکلات مادام العمر منجر شوند و بر زندگی هر یک از زوجین و خانواده هایشان اثر جبران ناپذیری بگذارند (هر تلین، وچلر، و پیرسی، ۲۰۰۵).

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق ابعاد مختلف خیانت زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. بی وفایی و خیانت به همسر در نگاه اول پدیده ای فردی به نظر می رسد؛ اما با توجه به عواقب ناگوار و پیامدهای سوء آن که نهاد خانواده و تربیت فرزندان و نیز سلامت و امنیت جامعه را دچار اختلال و آشفتگی می کند، باید این معضل را از آسیب های اجتماعی پنهان و بسیار جدی به شمار آوریم. نداشتن آمار دقیق در کشور ما به منزله نبود این معضل و مشکل اجتماعی نیست؛ بلکه بی توجهی ما به این آسیب اجتماعی را نشان می دهد. همچنین، درج مطالب زیادی در جراید، افزایش آمار مراجعان درگیر با بی وفایی زناشویی به دادگاه های خانواده و مراکز مشاوره، افزایش تعداد فیلم ها و سریال ها با موضوع بی وفایی زناشویی و همچنین، دانستن این موضوع به مثابه یکی از دلایل اصلی طلاق و قتل های خانوادگی، مبین این واقعیت تلخ است که این معضل اجتماعی به صورت پنهان در جامعه ما رواج دارد.

خیانت زناشویی به طور بالقوه به انحلال زناشویی کمک می کند. این پدیده یکی از آسیب زا ترین رویدادهایی است که در روابط زوجی روی می دهد و ثبات خانواده را به چالش می کشد. این اتفاق صرف نظر از وضعیت روابط، تهدید بزرگی برای روابط عاشقانه است. چندان تفاوتی نمی کند که افراد در روابط دوستانه باشند یا ازدواج؛ افراد در صورت کشف بی وفایی شریک خود، به احتمال زیاد اقدام به جدایی می کنند. با وجود اینکه خیانت از نظر بیشتر افراد عمل مذموم و ناپسندی تلقی می گردد، اما در فرهنگ های مختلف مشاهده می شود. طیف وسیعی از پاسخ های کوتاه مدت و بلند مدت نسبت به رابطه پنهانی وجود دارد. رابطه پنهانی با افزایش آشفتگی زناشویی، تعارض و طلاق همراه است. البته به این معنی نیست که همه روابط در اثر خیانت از بین می روند. بسیاری از همسران هستند که بنا بر دلایلی همچون مشکلات اقتصادی، حضانت فرزندان، برچسب اجتماعی و... با وجود مشکلات به زندگی مشترک ادامه می دهند و این در حالی است که اثرات بی وفایی کماکان پا برجاست. با این حال، اکثریت افراد پس از محرز شدن خیانت همسرشان به زندگی زناشویی خاتمه می دهند. در این زمینه، باید توجه داشت که تأثیر خیانت در انحلال و دگرگون ساختن رابطه، به عواملی مانند جنسیت، قدرت و فرهنگ بستگی دارد.

به طور کلی، حمایت های همه جانبه و آموزش و یاری رسانی به افراد درگیر خیانت به آنان کمک می کند تا اهداف عالی تری را در زندگی خود تعریف کنند و انرژی خود را صرف فعالیت هایی هدفمند چون کار، ورزش، فعالیت های هنری و اجتماعی و سایر فعالیت ها نمایند و در نتیجه از وضعیت روانی اجتماعی بهتری برخوردار شوند. امید است مطالب این تحقیق پیرامون خیانت زناشویی، راهنما و یاری دهنده مشاوران و متخصصان حوزه خانواده باشد تا به یاری اقشار آسیب پذیر جامعه و افراد درگیر خیانت بشتابند و با آموزش های مناسب در جهت ارتقاء سلامت روانی آنها برای مقابله با شرایط دشوار حاصل از بی وفایی همسر گام بردارند. در پایان، راهکارهایی چند در جهت پیشگیری از خیانت و ارائه آموزش های لازم در این زمینه مطرح می گردد:

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در راستای ارتقای مهارت‌های همسررداری، مسائل جنسی، شیوه‌های برقراری تعامل مفید و سازنده با جنس مخالف و افزایش آگاهی درباره نیازهای یکدیگر و چگونگی پاسخ‌دهی مناسب به آن‌ها؛
- الزام زوج‌ها به مشاوره‌های قبل از ازدواج و دادن آگاهی‌های لازم به خانواده‌ها در خصوص پیامدهای ازدواج‌های اجباری؛
- آموزش افراد از سنین نوجوانی و آشنایی آنها با نیازهای جنس مخالف و همچنین شیوه‌های برقراری تعاملات سالم و ایجاد آمادگی در جوانان برای همسرگزینی مناسب و ازدواج سالم از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی به ویژه صداوسیما؛
- افزایش آگاهی زوج‌ها درباره عواقب و پیامدهای بی‌وفایی زناشویی بر اعضای خانواده و سلامت و امنیت جامعه از طریق رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی؛
- اشاعه فرهنگ استفاده از خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی در راستای کاهش تعارض‌ها، اختلافات زناشویی، خشونت‌های خانگی و ارتقای کیفیت زندگی و بهداشت روانی زوج‌ها؛
- ارائه خدمات مشاوره‌ای و درمانی به افراد درگیر در روابط خارج از ازدواج و همچنین سایر اعضای خانواده آن‌ها و تلاش در جهت کاهش و رفع مشکلات روانی، عاطفی، رفتاری و ... که بر اثر بی‌وفایی شکل گرفته است.

منابع

- پلوسو، پاول ر (۲۰۰۷). *مدخلات درمانی برای بحران‌های زناشویی*. ترجمه پریوش و کیلی و احمد خالقی (۱۳۹۲). تهران: انتشارات ارجمند.
- جاوید نیا، نفیسه (۱۳۹۲). *بررسی رابطه بین ویژگی شخصیت و میزان رضایت زناشویی در زنان غیر متعهد مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان گرمسار*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسینی، مریم (۱۳۹۰). *رابطه سبک مقابله‌ای با صمیمیت زناشویی و تعهد زناشویی در فرهنگیان شهر ایلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- سهرابی، فرامرز و رسولی، فاطمه (۱۳۸۷). *بررسی رابطه بین سبک دل‌بستگی و روابط جنسی فرا زناشویی در بین زنان بازداشت شده در مراکز مبارزه با مفساد اجتماعی شهر تهران*. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۴ (۱۴)، ۱۴۳-۱۳۳.
- شیردل، ملیحه (۱۳۸۵). *عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به به رابطه نامشروع جنسی*. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶ (۲۲)، ۱۴۸-۱۳۳.
- قهراری، شهربانو (۱۳۹۴). *پیمان شکنی در زناشویی*. تهران: انتشارات دانژه.
- کاوه، سعید (۱۳۸۷). *همسران و بی‌وفایی و خیانت*. تهران: سخن.
- مومنی جاوید، مهرآور و شعاع کاظمی، مهر انگیز (۱۳۹۰). *دیدگاه‌های نظری خیانت زناشویی و بهبود روابط: تاکید بر راهبردهای عملی مشاوره‌ای*. تهران: آوای نور.
- مومنی جاوید، مهرآور و نادری نویندگانی، زهرا (۱۳۹۳). *روابط فرا زناشویی، علل، پیامدها، نظریه و درمان*. تهران: انتشارات شباهنگ.
- Allen, E. S., & Atkins, D. C. (2005). The multidimensional and developmental nature of infidelity: Practical applications. *Journal of clinical psychology, 61*(11), 1371-1382.
- Atkins, D.C., Baucom, D.H., & Jacobson, N.S. (2001). Understanding infidelity Correlates in a national random sample. *Journal of Family Psychology, 15*, 735-749.
- Barrick, M., & Ryan, A. M. (Eds.). (2004). *Personality and work: Reconsidering the role of personality in organizations* (Vol. 20). John Wiley & Sons.
- Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships I: A methodological review. *Journal of marital and family therapy, 31*(2), 183-216.
- Brown, E. (2001). *Patterns of infidelity and their treatment*. New York: Brunner Mazel.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology, 58*, 644-663.
- Cooper, A. (2002). *Sex and the Internet: A guidebook for clinicians*. New York: Brunner-Routledge.
- Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T. (1999). An investment model prediction of dating infidelity. *Journal of Personality and Social Psychology, 77*(3), 509-524.
- Fisher, A. D., Corona, C., Bandini, E., Mannucci, E., Lotti, F., & Boddi, V. (2009). Psychobiological correlates of extramarital affairs and differences between stable and occasional infidelity among men with sexual dysfunctions. *Journal of Sexual Medicine, 6*, 866-875.
- Glass, S. P., & Wright, T.L. (1992). Justifications for extramarital relationships: The association between attitudes, behaviors, and gender. *The Journal of Sex Research, 29*. 361-387.

- Gordon, K. C., Baucom, D.H., & Snyder, D.K. (2004). An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*, 30(2), 213-231.
- Gordon, K.C., Baucom, D. H., & Snyder, D.K. (2008). Optimal strategies in couple therapy treating couples dealing with the trauma of infidelity. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 38(3), 151-169.
- Gordon, K.C., Baucom, D.H., Snyder, D.K. & Dixon, L.J. (2008). Couple therapy and the treatment of Affairs. In Gurman, A.S., *Clinical of couple therapy* (pp.429-458). New York: Guilford press.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Conceptualizing romantic love as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Hertlein, K.M., Wetchler, J.L., & Piercy, F.P. (2005). Infidelity. *Journal of Couple & Relationship Therapy: Innovations in Clinical and Educational Interventions*, 5-16.
- Jackman, M. (2015). Understanding the cheating heart: what determines infidelity intentions? *Sexuality & Culture*, 19, 72-84.
- Kobak, R. R., & Hazan, C. (1991). Attachment in marriage: effects of security and accuracy of working models. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60(6), 861-869.
- Lauman, E.O., Gagnon, J. H., Michael, R.T., & Michaels, S. (1994). *The social organization of sexuality. Sexual practices in the United States*. Chicago, University of Chicago Press.
- Leen-Feldner, E.W., Zvolensky, M.J., Feldner, M.T. (2004). Behavioral inhibition sensitivity and emotional response suppression: a laboratory test among adolescents in a fear-relevant paradigm. *J. Clin Child Adolesc Psychol*, 33(4):783-791.
- Lusterman, D. (1997). *Infidelity. A survival guide*, New York. MJF Books.
- Main, M. (2000). Attachment theory. Eighteen points with suggestions for future studies, in J. Cassidy, & P. R.
- Mark, K.P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in Heterosexual Couples. Demographic, interpersonal, and Personality-Related Predictors of Extradyadic Sex. *ArchSex Behav*, 40, 971-982.
- Mattingly, B.A., Wilson, K., Clark, E.M., Bequette, A.W., & Weilder, D.J. (2010). ENG Foggy faithfulness Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample. *Journal of Family issues*, 31, 1465-1480.
- Collins, G. (1999). *The Tripersonal God. Understanding and Interpreting the Trinity*. Paulist Press.
- Pittman, F.S. (1989). *Privatelles Infidelity and the betrayal of Intimacy*, New York & London: Norton & Company.
- Preveti, D., & Amato, P.R. (2004). s'infidelity a cause or consequence of poor material quality? *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 217-230.
- Shackelford, T. K. & Buss, D. M. (1997). Cuesto infidelity, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 23(10), 1034-1045.
- Spring, J. (1996). *After the affair. Healing the pain and rebuilding the trust when a partner has been unfaithful*, New York: HarperCollins,
- Subotnik, R., & Harris, G. G. (2005). *Surviving infidelity* (2nd ed., Avon, MA Adams. ENG
- Thompson, A. P. (1984). Emotional and sexual components of extramarital relations. *Journal of Marriage and the Family*: 35-42.
- Thomson R.I., Stewart K.H. (2007). Forecasting friendship: how marital quality, maternal mood, and attachment security are linked to children's peer relationship. *App l dev psychol*. 28: 499-514.
- Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of marriage and family*, 62(1), 48-6
- Vaughan, P. (2003). *The monogamy myth*. New York: New Market Press.
- Whisman, M. A., Gordon, K. C., & Chatav, Y. (2007). Predicting Sexual Infidelity in a Population-Based Sample of Married Individuals. *Journal of Family Psychology*, 21(2), 320-324.
- Wiederman, M.W. (1997). Extramarital sex: Prevalence and correlates in a national survey. *Journal of Sex Research*, 34, 167-174.
- Yarab, P.E., Sensibaugh, C.C., & Allgeier, E.R. (1998). More than just sex: Gender differences in the incidence of self-defined unfaithful behavior in heterosexual dating relationships. *Journal of Psychology & Human Sexuality*, 10(2), 45-57.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی